

بررسی مقایسه‌ای تشبیه جنگاوران به حیوانات در ایلید هومر و شاهنامه فردوسی

علی امینی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

سال هفدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۰، صص ۲۳-۱

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7424>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ادبیات حماسی در سراسر جهان شرح دلاوری جنگجویان است. ایلید هومر و شاهنامه فردوسی از شناخته شده‌ترین حماسه‌های جهان هستند. در این پژوهش توصیف‌ها و تشبیهات حیوانی که در نبردها در مورد جنگاوران پیروز، تا سرود پانزدهم ایلید و دفتر نخست شاهنامه، به کار برده شده، مورد مقایسه قرار گرفته است. این حیوانات شامل شیر، پلنگ، گرگ، گراز، سگ شکاری، گاو، قوچ، اسب، پیل، کرگدن، نهنگ و اژدها بودند. **روشها:** این پژوهش با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام شده است. **یافته‌ها:** بررسی دو اثر حماسی مورد پژوهش نشان می‌دهد که هر دو اثر به میزان بسیار از تشبیه جنگاوران به جانوران استفاده کرده‌اند و بعضاً شیوه‌هایی مشابه را برای توصیف و تشبیه پهلوانان به جانورانی خاص به کار برده‌اند.

نتیجه‌گیری: در بررسی توصیف‌های حیوانی جنگاوران شجاع، سه گروه حیوانات وحشی (درنده و غیردرنده)، حیوانات اهلی و حیوانات اسطوره‌ای داشتیم. حیوانات وحشی درنده، شیر، پلنگ، گرگ و نهنگ (تمساح)؛ حیوانات وحشی غیردرنده گراز، پیل و کرگدن؛ حیوانات اهلی سگ، گاو، قوچ و اسب بودند و تنها حیوان اسطوره‌ای اژدها بود. از حیوانات درنده شیر و پلنگ و گرگ در هر دو حماسه مشترک و نهنگ مختص شاهنامه است. حیوانات وحشی غیردرنده، گراز مختص ایلید و پیل و کرگدن مختص شاهنامه است. حیوانات اهلی همه مختص ایلید و حیوان اسطوره‌ای مختص شاهنامه است. هر دو حماسه توصیف‌های شیر، پلنگ، گراز و گرگ به کار رفته‌اند. این حیوانات در همه‌جا با رفتار یکسانی شناخته شده و به همین دلیل در مقام توصیف نیز کاربرد یکسانی در هر دو حماسه داشته‌اند. پیل و کرگدن بومی آسیا و آفریقا هستند به همین دلیل تنها در شاهنامه به کار رفته‌اند. استفاده از حیوانات اهلی به دلیل تفاوت فرهنگی بوده است و به همین دلیل در شاهنامه برای جنگاوران این‌گونه توصیف‌ها استفاده نشده است. همچنین تشبیه جنگاور به اژدها تنها در شاهنامه وجود دارد.

تاریخ دریافت: ۱۲ آذر ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۱۵ دی ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۳۰ دی ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴ اسفند ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

حماسه، ایلید، شاهنامه، تشبیه، جنگاوران.

* نویسنده مسئول:

aliamini@shirazu.ac.ir

۳۳۲۹۱۸۹۵ (+۹۸ ۷۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A comparative study of the likeness of warriors to animals in Homer's Iliad and Ferdowsi's Shahnameh

A. Amini

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Shiraz, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 03 December 2023

Reviewed: 05 January 2024

Revised: 20 January 2024

Accepted: 04 March 2024

KEYWORDS

Epic, Iliad, Shahnameh, Simile, the warriors

*Corresponding Author

✉ aliamini@shirazu.ac.ir

☎ (+98 71) 32291895

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Epic literature around the world describes the bravery of warriors. Homer's Iliad and Ferdowsi's Shahnameh are among the most famous epics in the world. In this research, descriptions and similes of animals used in battles for victorious warriors, up to the 15th hymn of the Iliad and the first book of the Shahnameh, have been compared. These animals included lion, leopard, wolf, boar, hound, cow, ram, horse, elephant, rhinoceros, whale and dragon.

METHODOLOGY: This research was done with descriptive-analytical research method.

FINDINGS: Examining the two epic works under research shows that both works have used a lot of likening warriors to animals and sometimes they have used similar methods to describe and compare warriors to certain animals.

CONCLUSION: In examining the animal descriptions of brave warriors, we found three groups of wild animals (predatory and non-predatory), domesticated animals and mythical animals. wild beasts, lions, leopards, wolves and whales (crocodile); non-predatory wild animals, boar, elephant and rhinoceros; Domesticated animals were dogs, gowers, rams, and horses, and the only mythical animal was the dragon. Among the predatory animals, lions, leopards and wolves are common in both epics, and whales are unique to the Shahnameh. The non-predatory wild animals are the boar for the Iliad and the elephant and the rhinoceros for the Shahnameh. Domestic animals are all specific to the Iliad and mythical animals are specific to the Shahnameh. Both epics describe lions, leopards, boars, and wolves. These animals are known everywhere with the same behavior, and for this reason, they have been used in both epics as descriptions. Peel and rhinoceros are native to Asia and Africa, that's why they are only used in Shahnameh. The use of domestic animals was due to cultural differences, and for this reason, such descriptions were not used for warriors in the Shahnameh. Such a simile of a warrior to a dragon exists only in the Shahnameh.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7424>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 0	 0

مقدمه

بررسی تطبیقی، یکی از شیوه‌های پژوهش در ادبیات است. در اینگونه بررسیها معمولاً دو اثر از یک ژانر از فرهنگهای متفاوت مورد بررسی قرار میگیرند. در ادبیات حماسی، شاهنامه فردوسی و ایلید هومر از گرانمایه‌ترین آثار جهان هستند. بررسیهای تطبیقی بسیاری بر این دو اثر نوشته شده و جای بررسیهای بسیار دیگری همچنان باقی است. هومر^۱ (قرن نهم یا هشتم پ.م.) با آفرینش حماسه‌های ایلید^۲ و اودیسه^۳ بی‌گمان یکی از بزرگترین و تاثیرگذارترین ادیبان گیتی است. آثار او در یونان، در سراسر دوران کلاسیک تا زمان امپراتوری روم و گسترش مسیحیت بنیان آموزش بوده و تاثیری ژرف بر فرهنگ رنسانس ایتالیا داشته است. ترجمه این دو اثر، آنها را به مهمترین اشعار سنت کلاسیک اروپا تبدیل کرد. به باور میلمن پری،^۴ سنت هومری یک سنت شفاهی بوده است، چراکه هومر برای شاعر عبارت Aoidos به معنی خواننده را به کار برده است. هومر منابع بسیاری را در کار آورده، آنها را یکدست کرده و سپس، به صورت دو منظومه بازسازی کرده است (Britanica.com؛^۵ تراویک، ۱۹۸۶، رضائی، ۱۳۷۶، ص. ۵۶). حدود ۱۹ سده پس از او فردوسی شاهنامه را سروده است.

فردوسی (۳۲۹ – ۴۱۶ ق.) پیش از شروع به سرایش شاهنامه، داستانهای قهرمانی ایرانی را به صورت منفرد به نظم میکشید و برخی از آنها را نیز در شاهنامه خود جای داده است. شاهنامه او بزرگترین اثر حماسی ایرانی است. بنیان کار شگرف فردوسی بر روایتها و متنهای کهنی از جمله شاهنامه ابومنصوری است که نظم آن را پیش از فردوسی، دقیقی طوسی (۳۶۵ ه.ق.) آغاز و حدود هزار بیت از شاهنامه را سرود؛ اما مجال بیش از آن نیافت. پس از او فردوسی در حدود سال ۳۶۷ هجری نظم شاهنامه را آغاز و در سال ۴۰۰ آخرین داستان آن را به سرانجام رساند و پس از آن نیز تا سال ۴۰۹ بازبینیهایی را در شاهنامه انجام داد (ایرانیکا^۶). به این ترتیب فردوسی و هومر هر دو به سرایش حماسه، بر بنیان روایتهای پیش از خود پرداخته‌اند.

ایلید شامل بیست و چهار سرود است که پیش‌زمینه‌ای مربوط به دنیای خدایان دارد. داوری پاریس^۷ که آفرودیت^۸ را از دو الهه هرا^۹ و آتنا^{۱۰} زیباتر دانست، سبب خشم دو الهه شد، از سوی دیگر آفرودیت برای پاداش این داوری، پاریس را در دزدیدن هلن^{۱۱}، زیباترین زنان یونان و همسر منلائوس^{۱۲} پادشاه اسپارت^{۱۳}، یاری کرد، پاریس هلن را به شهر ایلید برد. هرا و آتنا یونانیان را برای نبرد با ایلید برانگیختند. اما هومر حماسه را از آنجا آغاز میکند که

1. Homer

2. Iliad

3. Odyssee

۴. میلمن پری Milman Parry (۱۹۰۲-۱۹۳۵) از کلاسیک‌گرایان آمریکایی بود که نظریه‌های او در مورد منشأ آثار هومر، مطالعات هومری را چنان متحول کرده است که او را «داروین مطالعات هومری» مینامند. علاوه بر این، او در رشته سنت شفاهی پیشگام بود (←https://en.wikipedia.org/wiki/Milman_Parry)

5. <https://www.britannica.com/biography/Homer-Greek-poet>

6. <https://iranicaonline.org/articles/ferdowsi-i>

7. Paris

8. Aphrodite

9. Hera

10. Athene

11. Helene

12. Menelaus

13. Sparta

آگاممنون^۱، پادشاه موکنای^۲ و فرمانده سپاه آخائی^۳، کروزیس^۴، را به عنوان غنیمت نگاه میدارد، درحالی که پدر کروزیس کاهن معبد آپولون^۵، پیشنهاد پرداخت غرامت کرده است. آپولون برای مجازات آخائیه‌ها، آنها را گرفتار طاعون میکند. آگاممنون کروزیس را رها می‌سازد، اما به جای وی بریزیس^۶، معشوقه آخیلوس^۷ را اسیر میکند. آخیلوس پادشاه پتیا^۸، رنجیده و خشمگین میشود، و از شرکت در جنگ تن می‌زند. در نبود او جنگ با حضور جنگاوران هر دو طرف در جریان است. تا این که پاتروکلوس^۹، دوست نزدیک آخیلوس، در جنگ به دست هکتور^{۱۰}، کشته میشود. آخیلوس متأثر و خشمگین از این حادثه با آگاممنون صلح میکند، دوباره وارد صحنه نبرد میشود و درجنگی تن به تن هکتور را از پای در می‌آورد و در برابر شفاعتهای پریام^{۱۱} و با دریافت غرامت، پیکر هکتور را تحویل میدهد. منظومه ایلید با مراسم تشییع جنازه هکتور و دفن بازمانده‌های پیکر او به پایان می‌آید (تراویک، ۱۹۸۶، رضائی، ۱۳۷۶).

شاهنامه روایتی حماسی است که فردوسی آن را از آفرینش و سپس پادشاهان اسطوره‌ای آغاز میکند و با نبردهای ایران و توران و پهلوانیهای شگرف رستم و دیگر پهلوانان ادامه میدهد و با پادشاهان تاریخی و بالاخره با شکست یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی از اعراب مسلمان پایان میدهد (فردوسی، ۱۳۹۴، مقدمه). شاهنامه فردوسی روایت آغاز و انجام استقلال ایران است؛ از این رو در مقایسه با ایلید، طولانی‌تر و پر ماجراتر میباشد. بنیان این پژوهش، بررسی و مقایسه صفتهای حیوانی است که به جنگاوران پیروز داده شده است. صفتی که به دلاوری و توانایی آنها در جنگ اشاره دارد. این پژوهش جلد نخست از شاهنامه چهار جلدی نشر سخن، تصحیح جلال خالقی‌مطلق تا پایان دفتر اول (پادشاهی کیکاوود) و ایلید هومر، ترجمه سعید نفیسی (۱۲۷۴ - ۱۳۴۵) از آغاز تا پایان سرود پانزدهم را مورد بررسی قرار میدهد.

پیشینه

مقاله‌های بسیاری در مقایسه *ایلید* و *شاهنامه* نوشته شده است؛ از این‌رو به چند مقاله برگزیده همراه با شرح کوتاهی از آنها اشاره میشود.

زرین‌کوب (۱۳۲۹) *شاهنامه* و *ایلید* را از بهترین آثار حماسی جهان دانسته؛ اما در مقایسه *شاهنامه* را برتر دانسته است. وی مدار جنگ ده ساله در *ایلید* را عشق زن و در *شاهنامه* حس افتخار، عشق آزادی یا حسن انتقام برمی‌شمرد و اشاره میکند که در *ایلید* همه‌کاره خدایان هستند ولی پهلوانان *شاهنامه* به نیروی خود متکی هستند. امیدسالار (۱۳۷۷) داستان اسفندیار و کشته شدن او را در جنگ تحت تأثیر داستان آشیل و فتح شهر تروا به دست یونانیان دانسته است. او در این مقاله این دو شخصیت و کارکردهایشان را با هم مقایسه میکند. محمدزاده (۱۳۸۷)

1. Agamemnon

2. Mycenae

3. Achaeans

4. Croesus

5. Apollon

6. Briseis

7. Achilles

8. Pythia

9. Patroclus

10. Hector

11. Priam

انگیزه‌های انتقام را در شاهنامه و ایلید و ادیسه بررسی کرده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که انتقامهای مقدس در این آثار، انتقامهای اجتماعی هستند. محمودی‌لاهیجانی و امیری (۱۳۹۳) صفتهای هنری را در ایلید و ادیسه و شاهنامه بررسی کرده‌اند. پژوهشگران با تعریف صفتهای هنری و ذکر انواع آن، تأثیر کاربرد این صفتها را در شخصیت‌پردازی و تصویرسازی و وزن این سه حماسه بزرگ نشان داده‌اند. جعفری‌قریه‌علی، فرهنگد و روستا (۱۳۹۲) با بررسی تطبیقی مهر و کین در شاهنامه و ایلید، کین‌خواهی در ایلید را در مقایسه با شاهنامه پررنگ‌تر و خشن‌تر دانسته‌اند. لک و تمیم‌داری (۱۳۹۵) ساختار مناظره را در شاهنامه فردوسی و ایلید و ادیسه هومر بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که هر سه اثر، با انتقاد از عملکردهای بزدلانه نظم گفتگمانی ویژه‌ای را بازتولید میکنند. شاهرودی و سپهوندی (۱۳۹۷) تعلیم و تربیت را در شاهنامه و ایلید و ادیسه بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که حماسه فردوسی در این زمینه بسیار کامل‌تر و پخته‌تر است. عبدالله‌زاده و دیگران (۱۴۰۱) آیینهای پیمان را در شاهنامه و ایلید و ادیسه بررسی کرده‌اند. در هر سه اثر پابندی به پیمان اهمیت فراوانی دارد و عدم پایبندی عقوبتی تلخ خواهد داشت. سلیمانی (۱۴۰۱) تیپهای شخصیتی ایلید و ادیسه و شاهنامه را از دیدگاه یونگ بررسی کرده است. او علت و انگیزه رفتارهای هر یک از اشخاص را به برون‌گرایی و درون‌گرایی ایشان نسبت داده است. قربان‌پور و طهماسبی (۱۴۰۲) ستیز قدرت را در خاندان‌های شاهی شاهنامه و ایلید با تکیه بر اسطوره‌های فریدون و پریام از دیدگاهی دیرینه‌شناسانه بررسی کرده‌اند. گفتگمانهای غالب از طریق مفصل‌بندی ویژگیهایی چون مقدس بودن، تقدیرگرایی و... به وجود آمده‌اند و با بسامد بالا در رفتار و کردار شخصیتها نمودارند.

بررسی تشبیه و صفتهای حیوانی جنگجویان در ایلید و شاهنامه

حماسه به نبردها و افتخاراتی که در نبردها به دست می‌آید، می‌پردازد. جنگاوران بسته به میزان توفیقشان در نبرد به حیواناتی که شکارگر یا شکار هستند، تشبیه میشوند. در این بررسی به صفتهای حیوانی که حاکی از دلآوری و توانایی جنگاوران است، پرداخته میشود. در حماسه‌های ایرانی دامنه تشبیه جنگاوران به شیر، پلنگ، اژدها، نهنگ و... بسیار گسترده است که با، یا بی ادات تشبیه به گونه تشبیه کنایی یا استعاره به کار رفته‌اند؛ چنانکه در شمار واژه‌ها حماسی درآمده‌اند (خالقی‌مطلق، ۱۳۸۶، ص ۸۶ - ۸۷).

تشبیه و صفتهایی که در هر دو حماسه به کار رفته است

الف- تشبیه جنگاور به شیر

شیر نماد توانایی، خرد، عدالت، غرور و خودپرستی، دلیری، سلطه‌طلبی و همچنین به معنای حریف قدرتمند نیز به کار رفته است. نمایانگر هم خیر و هم شر میتواند باشد. در اسطوره‌های یونان باستان هرکول^۱، شیر نمه^۲ را کشت و پوستش را به تن کرد و روپین‌تن شد. شیر همراه با خورشید، نشان ملی ایرانیان بوده است؛ اشاره به قدرت

^۱. Heracles

^۲. Nemean

جاودانگی خورشید دارد (شوالیه و گریبان، ۱۹۸۲، فضایی، ۱۳۸۵، ج. ۴؛ جابز، ۱۹۶۱، بقاپور، ۱۳۹۷، ص. ۵۱ - ۵۲). دلیرترین جنگاوران حماسه اغلب صفت شیر گرفته‌اند.

تشبیه جنگاور به شیر در ایلید

شیر در زبان یونانی از واژه Leon گرفته شده است که ریشه‌ای غیر هندواروپایی دارد و معنای آن مشخص نیست (Beekes, 2010, p854). در ایلید، هر جا جنگاوران به شیر تشبیه شده‌اند، توانایی آنها در کشتن یا زخم زدن به دشمن و یا ترس حریف از آنها مورد توجه بوده است. در سرود سوم، منلاس (Menelaus) چون شیری گرسنه با آرزوی کشتن پاریس (Paris) از گردونه فرود می‌آید: «منلاس مانند شیری که گرفتار گرسنگی جانکاهی است... آرزومند بود آن بزهکار [پاریس] را کیفر دهد...» (هومر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲).

حمایت آتنا (Athene) از دیومد (Diomedes)، سبب می‌شود او جنگاوری شجاع و پیروز باشد. در سرود پنجم دیومد دو بار به شیر تشبیه شده است. نخستین بار زمانی است که پاندوراس (Panduras) با پرتاب تیری او را زخمی کرده است ولی او همچنان به پشتیبانی آتنا در میدان نبرد دلاورانه می‌جنگد: «[دیومد] چون شیری بود، که شبانی... اندک آسیبی بدو می‌رساند... و تنها کاری که می‌کند این است که خشم او را برانگیزد پس از آن... میدود تا در کلبه خود پنهان شود... شیر چیره می‌گردد و از بندهای بلند می‌گذرد» (همان، ص ۱۷۵).

کمی بعد دیومد دو پسر پریام، اکمون (Echemon) و کرومیوس (Chromius) را از گردونه سرنگون می‌کند و سلاح‌شان را می‌گیرد. اینجا دوباره او به شیر تشبیه شده است: «سرنجام دیومد... چون شیری که بر رمه‌ای از گاوان میتازد و گردن گوساله ماده یا گاو نری را که در بیشه‌ای به آرامی می‌چرخند می‌شکند، به همان گونه به سنگین‌دلی هر دو را از گردونه سرنگون کرد و سلاحشان را گرفت» (همان، ص ۱۷۶).

در سرودهای دهم و یازدهم نیز دیومد به شیر تشبیه شده است. آتنا به دیومد دلاوری تازه‌ای می‌دهد و او شروع به کشتن جنگاوران تراکیه می‌کند:

«...[دیومد] گرداگرد خویش کشتار کرد... خون زمین را سرخ کرد. بدان گونه که شیری گله‌های بز و میش را که پناهگاهی ندارند ناگهان می‌گیرد و بر آنها میتازد و در نابود کردن آنها بی‌تاب است...» (همان، ص ۳۳۹).

در سرود یازدهم، جایی که دو پسر پریام، ایزوس (Isus) و آنتیف (Antiphe) توسط دیومد کشته می‌شوند، مردم تروا از آنان پشتیبانی نمی‌کنند و می‌گریزند. اینجا مردم تروا به گوزنهای ماده تشبیه شده‌اند که از شیر (دیومد) می‌گریزند:

«مردم تروا... مانند گوزن ماده تیزتکی که شیر را می‌بیند به پناهگاه او اندرآمده است، بچه‌های ناتوان او را به دندان جان‌شکر خود می‌گیرد و به یک فشار استخوانهای آنها را درهم می‌شکند و جان نورسیده و نازکشان را می‌گیرد...» (همان، ص ۳۴۹ - ۳۵۰).

در جای دیگر در سرود یازدهم پاریس، دیومد را با پرتاب تیری زخمی می‌کند، «آرزوی او این بود که تیر به قلب دیومد خورده بود؛ چرا که مردم تروا چون بره از شیر، از او می‌ترسیدند» (همان، ص ۳۶۰).

- در سرود پنجم انه (Anee) جنگاور تراویی، زمانی که برای دفاع از پیکر پاندورس (Pandarus)، که توسط دیومد کشته شده است، آماده نبرد با مردم یونان میشود، به شیر تشبیه شده است:
- «انه... چون شیری... آماده بود جان نخستین کسی را که دل آن را داشته باشد به او نزدیک شود بستاند...» (همان، ص ۱۸۲).
- در همین سرود در جای دیگر انه از دو جنگاور دلیر انتقام مرگ دوستش دئیکوئون (Deicoon) را میگیرد، اینجا دو جنگاور جوانی که کشته شدند، به دو بچه شیر تشبیه شده‌اند که مردم آنها را هلاک میکنند:
- «انه از دو جنگاور دلیر اورسیلوک (Orsiloque) و کرتون (Crethon) انتقام مرگ او را گرفت... دو بچه شیر، که مادرشان از فراز کوهها و در میان بیشه‌های انبوه پرورده است و گاوها و میشهای پروار را میربایند... و به‌دست مردم هلاک شوند» (همان، ص ۱۹۳ - ۱۹۴).
- در سرود پنجم سارپدون (Sarpedon) در حین سرزنش کردن هکتور و برادرانش برای نبودن در میدان نبرد، آنان را به سگان شکاری و مردم آخایی را به شیر تشبیه میکند:
- «... چون دسته سگان شکاری که دل ندارند به شیری نزدیک شوند، در دوردست به‌خود میلرزند، درحالی که ما و هم‌پیوندان شما، باز در کارزاریم» (همان، ص ۱۹۰).
- در سرود پنجم جایی که دیومد را جنگجویان تروا محاصره کرده‌اند، این جنگجویان به شیر درنده و خوک سرکش تشبیه شده‌اند. هرچند آنها نمیتوانند به دیومد آسیبی برسانند:
- «در این هنگام الهگان شتافتند مردم آخائی را یاری کنند... اما چون به جایگاهی رسیدند که در آنجا بیشترین دلاوران سرکردگان مانند شیران درنده و خوکان سرکش گرد دیومد جنگجوی را فراگرفته بودند...» (همان، ص ۲۰۴).
- در سرود یازدهم زمانی که اولیس میان لشکر مردم تروا محاصره شده است، با کمک آژاکس (Ajax) رها میشود، آژاکس اینجا به شیری هراس‌انگیز تشبیه شده است که سبب گریز مردم تروا که به یوز تشبیه شده‌اند، میشود:
- «... ناگهان سرنوشت شیری هراس‌انگیز را بدانجا میاورد؛ یوزان به‌خود میلرزند و میگریزند و او دستخوش این شیر میشود» (همان، ص ۳۶۳ - ۳۶۴).
- در ادامه سرود یازدهم، زئوس (Zeus) در دل آژاکس ترس را چیره میکند ولی باین همه همانند شیری توصیف شده است که دهقانان و سگان او را از آغل دور م‌کنند:
- «... این پهلوان... بدان‌گونه که شیری پرشور را، دهگانان و سگانشان که همه‌شب بیدارند، از آغل گاوان خود دور میکنند... و سرانجام در سپیده بامداد باز می‌گردد و از خشم می‌گردد» (همان، ص ۳۶۶).
- در سرود دوازدهم در میدان نبرد، هکتور جنگاور تراوایی به گردبادی سرکش و گراز یا شیری که خود را میان شکارچیان و سگهایشان میاندازد تشبیه شده است، شیری که شکارچیان از او میگریزند.
- «... باین همه هکتور... با سرکشی گردبادی پیش می‌آمد. بدان‌گونه که گرازی یا شیری که چشمان دل‌دوز خود را می‌گرداند، خود را به میان شکارافگنان و سگان آنها میاندازد...» (همان، ص ۳۸۲ - ۳۸۳).
- در سرود سیزدهم دو برادر آژاکس از جنگاوران آخائی در میدان نبرد به دو شیر تشبیه شده‌اند:
- «دو برادر آژاکس، مانند دو شیر بودند که گوزن ماده‌ای را از دندانه‌های تیز تک دسته سگان شکاری خشمگین به زور می‌گیرند...» (همان، ص ۴۱۰).

- تا پایان سرود پانزدهم در ایلید جنگاوران سیزده بار به شیر تشبیه شده‌اند. سه بار جنگاوران تروا و ده بار جنگاوران آخائی، بیش از همه، دیومد پنج بار به شیر تشبیه شده است. شیر در این تشبیه‌ها پنج‌گونه آورده شده است. نخست، شیری که به شکار میرود و در پنج توصیف با سگان شکاری و شکارچیان نیز روبه‌رو میشود ولی با دلیری به مبارزه ادامه میدهد؛ دوم، شیری که به گله گاوها و دامها حمله‌ور شده و دو بار توسط شبان یا دهقانان و سگانشان تعقیب میشود و در یک مورد دو جنگاور که به بچه شیر تشبیه شده‌اند، کشته میشوند؛ سوم، شیری که در مقابل مردمی که میخواهند جنازه پاندرواس را ببرند مقاومت میکند؛ چهارم، شیرهایی که دیومد را محاصره کرده‌اند ولی پشتیبانی آتنا او را حفظ میکند؛ و پنجم، شیری که با یوز روبه‌رو میشود، آورده شده است. صفت‌هایی که در این متن برای شیر به کار رفته است، گرسنه، خشمگین، درنده، هراس‌انگیز، پرشور میباشد.

تشبیه جنگاور به شیر در شاهنامه

در زبان فارسی شیر از بن هندوایرانی *śyarga* به معنی «خیز برداشتن، جهیدن» است (حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۱۹۳۷). که اشاره به شکار کردن شیر است. در ایران باستان شیر نماد شجاعت بوده است. شیر در آموزه‌های زرتشتی مورد توجه است و در آیین مهری جایگاه مهمی دارد (خسروی‌فرد، ۱۳۸۹، ص ۲۰).
در شاهنامه نخستین کسی که به شیر تشبیه شده است، هوشنگ خون‌خواه پدرش سیامک از پسر اهریمن است:
بیازید چون شیر هوشنگ چنگ جهان کرد بر دیو نستوه تنگ
(شاهنامه خالقی‌مطلق، ج ۱، بیت ۶۸)

در پاسخ سلم و تور که خواهان دیدار منوچهر هستند، فریدون پاسخ میدهد که منوچهر شیری خشمگین است که او را جز در میدان نبرد نخواهند دید:

بیامد کنون چون هزبر ژیان به کین پدر تنگ بسته میان
(همان، بیت ۶۹۵)
زمانی که فرستاده سلم و تور آنچه را که دیده است بازگو میکند، تور منوچهر را بچه شیر نر (ایرج) خطاب میکند:
نباید که آن بچه‌ی نره‌شیر شود تیز دندان و گردد دلیر!
(همان، بیت ۷۴۶)

در جای دیگر همین نبرد، جایی که منوچهر از سران سپاه سان میبندید به او صفت شیر داده شده است:
سران سپه، مهتران دلیر کشیدند صف پیش سالار شیر
(همان، بیت ۸۳۷)

در کین‌خواهی ایرج، جنگاوران سپاه منوچهر بارها با صفت شیر آمده‌اند:
مبارز چو شیروی درنده شیر چو شاپور یل، زنده‌پیل دلیر
(همان، بیت ۷۵۰)
دلیران و هر یک چو شیر ژیان همه بسته بر کین ایرج میان
(همان، بیت ۷۹۳)
یکی لشکر آراسته چون عروس به شیران جنگی و آوای کوس
(همان، بیت ۸۰۱)

خروشی برآمد ز پیش سپاه که ای نامدارن و شیران شاه
(همان، بیت ۸۲۷)

سپه را به نزدیکی دز بماند سپه را به نزدیکی دز بماند
(همان، بیت ۹۲۷)

بکشت از دلیران من چند مرد که بودند شیران روز نبرد
(همان، بیت ۹۵۸)

سام زمانی که از گرگساران باز میگردد، نزد منوچهر از جنگاوران گرگساران چنین یاد میکند:

برفتم بدان شهر دیوان نر نه دیوان، که شیران جنگی بپر!
(همان، بیت ۸۸۵)

سام در نبرد با کاکوی خود را شیر میخواند:

گرفتم کمر بند مرد دلیر ز زین برگسستم بکردار شیر
(همان، بیت ۹۱۱)

پس از مرگ منوچهر، افراسیاب به ایران حمله میکند، در این نبرد افراسیاب جنگاوران ایران را شیر خطاب میکند و خود را شایسته نبرد با ایشان میخواند:

که شایسته‌ی جنگ شیران منم! هم‌آورد سالار ایران منم!
(همان، بیت ۷۷)

گلباد جنگاور تورانی و افراسیاب به شیر تشبیه شده‌اند:

چن آخواست و کرسیوز و بارمان چو گلباد جنگی، هزبر دمان
(همان، بیت ۶۸)

به مغز پشنگ اندر آمد شتاب چو دید آن سهی قد افراسیاب
بر و بازوی شیر و هم زور پیل و زو سایه گسترده بر چند میل
(همان، بیت ۸۲ - ۸۳)

پشنگ افراسیاب را به شیر تشبیه میکند:

پسر را چنین داد پاسخ پشنگ که افراسیاب آن دلاور نهنگ،
یکی نره‌شیرست روز شکار یکی پیل جنگی گه کارزار
(همان، بیت ۹۸-۹۹)

در همین نبرد به بارمان وصف شیر داده شده است:

یکی مرد آسوده چون بارمان جوان و گشاده دل و شادمان
سواری که دارد دل شیر نر همی‌برفرازد به خورشید سرا!
(همان، بیت ۱۶۵ - ۱۶۶)

در پادشاهی نوذر، در جنگ ایران و توران، قباد کشته میشود، اینجا به او صفت شیر داده شده است:

از اسب اندر آمد نگوسارسر شد آن شیردل پیر سالارسر
(همان، بیت ۱۹۱)

قارن در خونخواهی برادرش قباد به شیر تشبیه شده است:

برآویخت چون شیر با بارمان
سوی چاره جستن ندادش زمان
(همان، بیت ۳۱۰)

در نبرد افراسیاب و نوذر، زمانی که زال آماده نبرد با سپاه افراسیاب میشود، به شیر تشبیه شده است:

یکی گبر پوشید زال دلیر
به جنگ اندرآمد بکردار شیر
(همان، بیت ۴۰۷)

زمانی که کشواد به زال پناه میبرد، افراسیاب به شیر تشبیه شده است:

بر آن بستگان زار بگریست دیر
کجا رسته بودند از چنگ شیر
(همان، بیت ۵۲۴)

پس از مرگ زو، افراسیاب دوباره به ایران حمله میکند و زال، رستم را از نبرد با جنگاوران تورانی منع میکند؛ اینجا جنگاوران تورانی به شیر توصیف شده‌اند:

چگونه فرستم به دشت نبرد
تو را پیش شیران پر کین و درد؟
(همان، بیت ۷۴)

رستم در نخستین نبردش همه را شگفت زده میکند. در این نبرد چندجا صفت شیر گرفته است:

هزار و صد و شصت گرد دلیر
به یک زخم شد کشته زان نره‌شیر
(همان، بیت ۵۳)

افراسیاب یک‌بار رستم را از شیر زورمندتر دانسته و یک‌بار به او صفت شیر داده است:

بدان زور، هرگز نباشد هزبر
دو پایش به خاک اندرون، سر بدابر!
(همان، بیت ۷۱)

یکی پیل‌تن دیدم و شیرچنگ
نه هوش و نه دانش، نه رای و درنگ
(همان، بیت ۷۵)

در دفتر یکم شاهنامه در هفت نبرد، بیست و شش بار برای جنگاوران توصیف شیر به کار رفته است، نوزده بار برای ایرانیان و هفت بار برای انیرانیان. سه بار منوچهر و سه بار رستم، پنج بار همه جنگاوران ایران و یک بار همه تورانیان شیر خوانده شده‌اند. شیر به تنهایی و در ترکیبهای وصفی شیرچنگ، هزبر دمان، نره‌شیر، شیردل، شیر جنگی، شیراوزن، درنده شیر و هزبر ژبان به کار رفته است.

ب- تشبیه جنگاور به پلنگ و یوزپلنگ

پلنگ نماد پیروزی، چالاکی، شجاعت، حيله‌گری، درنده‌خویی، شهوت و غرور است. پلنگ نماد طبقه سلطنتی و جنگجو، و در عین حال مهارت و قدرت است (جابر، ۱۳۹۷، ص ۳۰ - ۳۱؛ شوالیه و گربران، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۱۹). پلنگ پس از شیر در ایلید بیشتر به کار رفته است.

تشبیه جنگاور به پلنگ و یوزپلنگ در ایلید

در زبان یونانی پلنگ از واژه panther با ریشه غیر هندواروپایی و Leopardos به معنی شیر خالدار آمده است (Beekes, 2010, 848, 1149). پلنگ یا یوزپلنگ در ایلید توصیفی حاکی از دلاوری و جنگاوری، اما نه به

اندازه شیر است. در سرود هشتم آنجا که اولیس در میدان نبرد است و میان جنگاوران تروا تنها مانده است به گوزن تشبیه شده و جنگاوران تروا که او را محاصره کرده‌اند به یوزهایی^۱ که آماده حمله هستند تشبیه شده‌اند که با حمله آژاکس میگریزند:

«...اولیس را دیدند که دشمنان گردش را گرفته‌اند. بدان گونه که یوزها، تشنه خون به جنبش آمده‌اند، گرد گوزنی زیبا را که از تیر شکارافگنی چیره‌دست زخمی شده فرامیگیرند؛...» (هومر، ۱۳۸۵، ص ۳۶۳ - ۳۶۴).

- پوزئیدون (Poseidon) به مردم آخائی دل میدهد و در خطابه‌ای آنها را برمیانگیزد. اینجا مردم آخائی به گرگ و پلنگ تشبیه شده‌اند:

- «...امروز مردم تروا به کشتیهای ما نزدیک میشوند. پیش از این مانند گوزنهای لرزان بودند که دستخوش گرگان و پلنگان باشند و با پای سست در جنگلها سرگردانند و از جنگ میگریزند؛...» (همان: ۴۰۷).

در ایلید جنگاوران آخائی یکبار به پلنگان و جنگاوران تروا یکبار به یوز تشبیه شده‌اند؛ یوزها کارکردی مشابه سگهای شکاری دارند.

تشبیه جنگاور به پلنگ و یوز پلنگ در شاهنامه

در زبان فارسی پلنگ از ایرانی باستان -pardung* به معنی افعی خالدار و از ریشه *pard به معنای خالدار و رنگارنگ بودن گرفته شده است. در شاهنامه نیز پلنگ صفت جنگاوران است. در کین خواهی ایرج، در رویارویی منوچهر با کاکوی، هر دو جنگاور به پلنگ تشبیه شده‌اند:

همی چون پلنگان برآویختند همه خاک با خون برآمیختند
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۸۹؛ بیت ۹۸۳)

سام در بازگشت از نبرد با گرگساران به منوچهر گزارش میدهد و آنها را پلنگان جنگی میخواند، که نشان دهنده دشواری جنگی است که سام از آن پیروز بازگشته است:

سپاهی که سگسار خوانندشان پلنگان جنگی گمانندشان
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۳۰؛ بیت ۸۸۷)

نبرد افراسیاب با نوذر، زمانی که قارن آگاه شد که افراسیاب شب هنگام لشکری به سوی بنه و شبستان ایرانیان فرستاده است، با عصبانیت به سوی نوذر رفت، اینجا به او صفت پلنگ داده شده است:

شد از رشک جوشان و دل کرد تنگ بر نوذر آمد بسان پلنگ
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۷۰؛ بیت ۲۸۸)

زمانی که شماساس و خزروان جنگاوران تورانی به سوی سیستان میروند، مهرباب به زال پیام مینویسد که به میدان نبرد بیاید، آنجا جنگاوران تورانی به پلنگ تشبیه شده‌اند:

که دو پهلوان آمد ایدر به جنگ ز ترکان سپاهی چو دشتی پلنگ
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۷۴؛ بیت ۳۸۱)

^۱ منظور یوز پلنگهایی است که برای شکار تربیت میشدند و شکارچیان در شکار از آنها استفاده میکردند.

در شاهنامه در سه نبرد، چهار بار صفت پلنگ به کار رفته است. یک بار به منوچهر و کاکوی با هم، یکبار به لشکر سگساران که سام شکست شان داده است و دو بار در نبرد افراسیاب با نوذر یکبار به قارن و یکبار برای جنگاوران تورانی به کار رفته است. به گمان پلنگ در شاهنامه نیز صفتی است پس از صفتهای دیگر که برای جنگاوران به کار رفته است.

ج-تشبیه جنگاور به گرگ

تشبیه جنگاور به گرگ در ایللیاد

در زبان یونانی *lúkos* و در زبان فارسی گرگ از ریشه هندو اروپایی **wel-* به معنی «آسیب، غارت» است (Beekes, 2010, 877؛ حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۴، ۲۳۸۰). گرگ نماد تاریکی، حرص، حيله‌گری، خونخواری، دورویی، ستمگری، ستیزه‌جویی، غارتگری، فساد، قحطی، ویرانی و کشتار است. گرگ نر را میتوان نماد قهرمانی جنگجو دانست. در یونان گرگ هم جلوه شر دارد و هم جانور مقدس «آپولو» و «مریخ» و یکی از پیکرهای زئوس است (قلی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۳۱ - ۲۳۶؛ جابز، ۱۳۹۷، ص ۷۱؛ شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۶۹۱). در سرود یازدهم در رویاروی مردم تروا و آخائی هر دو گروه گرگ خوانده شده اند:

«هیچ یک از دو لشکر در اندیشه گریختن نبود... مانند گرگان خشمگین بر یک دیگر میتاختند...» (هومر، ۱۳۸۵، ص ۳۴۸)

در سرود سیزدهم، پوزئیدون به مردم آخائی دل میدهد و در خطابه‌ای آنها را برمیانگیزد. اینجا مردم تروا به گوزن و مردم آخائی به گرگ و پلنگ تشبیه شده‌اند:

«... مردم تروا... پیش از این مانند گوزنهای لرزان بودند که دستخوش گرگان و پلنگان باشند و با پای سست در جنگلها سرگردانند و از جنگ میگریزند...» (همان، ص ۴۰۷).

در ایللیاد گرگ توصیفی است که یکبار به‌صورت دسته‌جمعی به جنگاوران آخائی داده شده است که جنگاوران تروا چون گوزن از آنها میترسند. و یکبار نیز هر دو گروه در نبرد گرگ خوانده شده‌اند.

تشبیه جنگاور به گرگ در شاهنامه

در اساطیر ایران گرگ موجودی اهریمنی است. اما در شاهنامه گاهی به عنوان صفت جنگاوران ایران و انیران آمده است، جنگاورانی که گذشته از دلیری و بی‌باکی، چابکی و حيله‌گری را نیز در خود دارند.

در شروع شاهنامه در داستان گیومرت، اهریمن تنها دشمن گیومرت، پسری دارد که به گرگ تشبیه شده است:

یکی بچه بودش چو گرگ سترگ دلاور شده با سپاهی بزرگ
(فردوسی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۲؛ بیت ۲۴)

در کین‌خواهی ایرج، در رویارویی منوچهر با کاکوی، کاکوی به گرگ تشبیه شده است:

نبیره‌جهاندارسلم سترگ به پیش سپاه اندر آمد چو گرگ
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۳۰؛ بیت ۸۹۳)

در جنگ توران و ایران در پادشاهی نوذر، افراسیاب از جنگ منوچهر و تور میگوید و قارن را در آن جنگ گرگ پیر میخواند:

تو دانی که بر تور و سلم سترگ چه آمد از آن تیغ زن پیر گرگ
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۶۳؛ بیت ۹۴)

در دفتر نخست شاهنامه در سه جنگ سه بار به جنگاوران به گرگ تشبیه شده‌اند و هر سه بار به شجاعت آنها در جنگ اشاره می‌شود، اما بار منفی نیز با خود دارد. در داستان سیامک، پسر اهریمن و در داستان کین ایرج، کاکوی به گرگ تشبیه شده است و که گمان می‌رود به دلیل اهریمنی بودن گرگ در فرهنگ ایرانی باشد. همچنین افراسیاب، قارن را از این رو به گرگ تشبیه می‌کند که سبب رنج بسیار برای سلم و تور شده است. که در هر سه جا از مفهوم گرگ آسیب و ویرانگری به ذهن می‌رسد.

صفات که در ایللیاد به جنگاوران داده شده است

الف-تشبیه جنگاور به گراز

در زبان یونانی *kápros* گراز وحشی، از هندواروپایی **kapros* به معنی «بز»^۱ و از ریشه هندواروپایی *kap* «قاییدن، گرفتن» و در نتیجه این واژه به معنی «قاپنده، حریص» است (Beekes, 2010, 639). در یونان حیوان مقدس خدایان است و پیکر مبدل «آپولو» است. نمادی است هم از رشد و هم ویرانگری و همچنین جنگجوی بی‌رحم و خشمگینی که تا انتهای نبرد می‌جنگد (جایز، ۱۳۹۷، ص ۶۸ – ۶۹؛ شوالیه و گربران، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۶۹۱). در سرود هشتم، با حمایت زئوس، هکتور همچون سگ شکاری به مردم آخائی حمله می‌کند. اینجا جنگاوران آخائی با آنکه مغلوب هستند به شیر و گراز توصیف شده‌اند:

– «بدان گونه که سگ شکاری پردلی که به گامهای سبک خود میتازد، شیری یا گرازی درنده را دنبال می‌کند... هکتور خود را در پی مردم آخائی انداخت و همچنان آن را که بازپس بود میکشت» (هومر، ۱۳۸۵، ص ۲۷۸).
– در سرود یازدهم، اولیس و دیومد که به جنگاوران تروا حمله می‌کنند، به گراز و جنگاوران تروا به سگان شکاری تشبیه شده‌اند:

– «مانند دو گراز که دلاوری و بی‌باکی خود را به یاد می‌آورند، ناگهان بر سگان شکاری که در دنبال کردن آنها شوری دارند میتازند...» (همان، ص ۳۵۸).
در سرود دوازدهم، هکتور در حمله به جنگاوران آخائی، به گراز یا شیری تشبیه شده است که خود را به میان شکارچیان می‌اندازد:

«با این همه هکتور، بدان گونه که گرازی یا شیری که چشمان دلدوز خود را میگرداند، خود را به میان شکارافگنان و سگان آنها می‌اندازد...» (همان، ص ۳۸۲ – ۳۸۳).

– در ایللیاد سه بار جنگاوران به گراز تشبیه شده‌اند. هر سه بار گراز توصیفی برای جنگاوران پیروز و هراس افکن است. در دو جا در جایگاهی برابر با شیر بیان شده است. هر سه بار توصیف‌ها در جایگاه شکار و شکارچی بیان شده است. در ایللیاد دو بار جنگاوران آخائی و یک بار جنگاوران تروا به گراز تشبیه شده‌اند. یک بار گروه جنگاوران آخائی و در یک میدان اولیس و دیومد با هم و در یک جا نیز هکتور به گراز تشبیه شده‌اند.

ب-تشبیه جنگاور به سگ

در زبان یونانی *kūōn* و فارسی سگ از هندواروپایی **kūōn* به معنی «حیوان همراه گوسفندان» است (Beekes, 2010, 811). سگ نماد جرئت، فداکاری، مهربانی، هوش، همچنین پستی، و سازگاری با انسان است. در بیشتر

^۱ این واژه در فارسی نو تبدیل به کهره (بزغاله) شده است.

فرهنگها سگ راهنمای مردگان، میانجی دو دنیا و در ارتباط با جادوگری و گاهی پزشکی دانسته شده است. در اساطیر یونان «سربروس» (Cerberus) سگی است که پنجاه سر داشت و نگهبان دروازه‌های جهان مردگان بود. هکاته خدا بانوی تاریکیها به پیکر سگ یا مادیان درمی‌آید (جایز، ۱۳۹۷، ص ۴۶؛ شوالیه و گربران، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۶۰۱-۶۰۹). سگ در جامعه شکارگر، شبان و کشاورز و حتی صنعتی با کارکردهای گوناگون، همیشه همراه انسان بوده است. در ایلید جنگاورانی که حمله میکنند ولی در رده‌های بالای دلیری و توانایی در جنگ نیستند به سگ تشبیه شده‌اند. در سرود سوم، در جایی که منلاس با آرزوی کشتن پاریس از گردونه فرود می‌آید، جنگاوران تروا به سگان شکاری تشبیه شده‌اند:

- «منلاس... مانند شیری که... مرالی دشتی یا گوزنی در بیشه خود ببیند شاد میشود و آنرا درهم می‌شکند، هر چند که دسته‌ای از سگان شکاری سبک‌رو و جوانانی گرم‌خیز در پی آن باشند...» (هومر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲).

- در سرود پنجم سارپدون در حین سرزنش کردن هکتور و برادرانش، آنان را به سگان شکاری تشبیه میکند:
- «ای هکتور، [تو و برادرانت اکنون] چون دسته سگان شکاری که دل ندارند به شیری نزدیک شوند و در دوردست به‌خود می‌لرزند...» (همان، ۱۹۰).

با شجاعتی که زئوس به مردم تروا میدهد، آنها مردم آخائی را پس‌میرانند. در این نبرد هکتور به سگ شکاری پردلی تشبیه شده است که شیر یا گرازی را دنبال میکند:
- «...بدان‌گونه که سگ شکاری پردلی که به گامهای سبک خود میتازد، شیری یا گرازی درنده را دنبال میکند، هکتور خود را در پی مردم آخائی انداخت...» (همان، ۲۷۸).

در سرود دهم، جایی که اولیس و دیومد، دولون را تعقیب میکنند، به دو سگ شکاری و دولون به خرگوش توصیف شده‌اند:

- «...بدان‌گونه که دو سگ شکاری، که دندانهای جان‌ریا و برنده داشته باشند... خرگوشی را که پیشاپیش آنها میدود و فریادهای هراسان می‌راند، دنبال میکنند...» (همان، ۳۳۴).

اولیس و دیومد این بار به دو گراز توصیف شده‌اند که سگان شکاری (جنگاوران تروا) را عقب می‌رانند:
- «مانند دو گراز که دلاوری و بی‌باکی خود را به یاد می‌آورند، ناگهان بر سگان شکاری که در دنبال کردن آنها شوری دارند میتازند...» (همان، ۳۵۸).

- در ادامه سرود یازدهم زئوس در دل آژاکس ترس را چیره میکند ولی با این‌همه به شیری گرسنه تشبیه شده است که دهقانان و سگان او را از آغل دور میکنند:

- «[آژاکس] بدان‌گونه که شیری پرشور را، دهگانان و سگانشان که همه‌شب بیدارند، از آغل گاوان خود دور میکنند... سرانجام در سپیده‌بامداد باز می‌گردد و از خشم می‌غرد...» (همان، ۳۶۶).

در سرود سیزدهم جنگاوران تروا در مقابل دو برادر آژاکس به سگان شکاری تشبیه شده‌اند:

- «دو برادر آژاکس... ایمبریوس را گرفتند، مانند دو شیر بودند که گوزن ماده‌ای را از دندانهای تیز تک دسته سگان شکاری خشمگین به‌زور می‌گیرند...» (همان، ۴۱۰).

در ایلید سگ توصیفی است که هفت بار برای جنگاوران تروا به کار رفته است. یک‌بار سگ همراه شبانان و شش بار سگ شکاری آمده است. گویی توصیف جنگاوران به سگ و سگ شکاری اشاره به ضعف آنها نسبت به حریف روبه‌رو در جنگ است. دو جا سگان شکاری به جنگاوران تروا به شکل گروهی گفته شده است و گویی با این توصیف آنها نسبت به حریف‌شان در نبرد توان و شجاعت کمتری دارند.

ج- تشبیه جنگاور به گاو نر

در زبان یونانی *bous* و در زبان فارسی گاو از هندواروپایی **g^weh₃-us* و احتمالاً نام‌آوا است (Beekes, 2010, 232). گاو نر نماد قدرت، باروری، آرامش، همچنین، بی‌عاطفگی، خونسردی و غرور است. در فرهنگ هندواروپایی حیوان مقدسی است که قربانی میشود. گاوهای وحشی پوزئیدون، خدای اقیانوس و طوفان و همچنین دیونوسوس، خدای رجولیت بارور بودند. زئوس به شکل ورزایی سفید و درخشان درآمد تا ائوروپه را فریب دهد (جابر، ۱۳۹۷، ص ۵۲؛ شوالیه و گربران، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۶۷۷). در سرود سوم برتری آگاممنون میان جنگاوران با مقایسه او با گاو نر میان گاوهای ماده نشان داده شده است:

«همچنان که گاو نر در میان گله بر همهٔ جانوران دیگر برتری دارد و از گاو ماده که گرداگردش را فراگرفته‌اند آشکارا شناخته میشود، زئوس نیز آگاممنون را در آن روز چنان ساخته بود که در میان هزاران دلاور شناخته میشد و بر همه برتری داشت» (هومر، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰).

در سرود سیزدهم مریون، پیکان خود را به شکم آداماس از جنگجویان تروا فرومیکند، آداماس اینجا به گاو نر تشبیه شده است:

«دشمن [آداماس] از پا درآمد... مانند گاو نری که در کوهساران چوپانانی که بندی بر آن بسته‌اند آن را با خود میکشند، بدان‌سان دست و پا میزد...» (همان، ص ۴۲۴)

در همین سرود آژاکس و تلامون در نبرد با یکدیگر به گاو نر تشبیه شده‌اند:

«اما آژاکس یک دم از تلامون دور نمیشد. بدان گونه که دو گاو نر زورمند... خیش استواری را در زمینی میکشند...» (همان، ص ۴۲۹)

در ایللیاد یکجا برای نشان دادن برتری، آگاممنون به گاونری تشبیه شده که میان گاوهای ماده شاخص است. یک‌جا جنگاوری نیرومند که در نبرد شکست خورده و در حال مرگ است و یک‌جا دو جنگاور که در نبرد تن به تن از هم دور نمیشوند، به گاو نر تشبیه شده‌اند. در هر سه مورد آنها به سبب نیرومندی و توانایی در جنگ به گاو نر تشبیه شده است.

د- تشبیه جنگاور به قوچ

در زبان یونانی *arneios* از هندواروپایی **ers-ni-* به معنی «دارای نیروی نرینگی، پهلوان» است (Beekes, 2010, 135). قوچ نماد آرامش، باروری، دانایی، تکامل، وقار و همچنین نابودگر و عاصی است. قوچ نمادی دو وجهی دارد از یک‌سو بارور میکند و از سوی دیگر زخم میزند و میکشد. در اساطیر یونان، منجی «اودیسیئوس» و «فریکوس»؛ حیوانی که در پیشگاه «آتنا»، «پوزئیدون» و «زئوس» قربانی میشد (جابر، ۱۳۹۷، ص ۶۱؛ شوالیه و گربران، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۴۶۸). در سرود سوم پریام از هلن (*Helene*)، در مورد جنگاوری که همچون قوچ است میان میشها، میپرسد:

«این جنگجوی... مانند قوچی که با پشم فراوان در میان گله‌ای از میشهای نمایان گردش میکند... در میان صف‌های این جنگاوران راه میپیماید...» (هومر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).

اولیس در حماسه ایللیاد بیشتر به دانایی و خردمندی و سپس به جنگاوری و دلیری ستایش میشود. این تشبیه به توانایی او در نبرد و وقار و نیرومندی او اشاره دارد.

ه- تشبیه جنگاور به اسب

در زبان یونانی *hippos* از هندواروپایی **hekuo-s* گرفته شده و وام‌واژه از زبانهای آلتایی است (Beekes, 2010, 297). اسب نماد امیال انسانی در دوران بلوغ و نمودی از جوانی، باروری، اندام زیبا، نیرومندی، خیره‌سری، سرسختی، غرور و مرکب خدایان است. اسب هم در قلمرو نیروهای اهورایی و هم اهریمنی نمود دارد. در یونان اسب راهنمای مردگان به قلمرو مرگ و هادس است (جایز، ۱۳۹۷، ص ۲۲؛ شوالیه و گربران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۴۴). در ایلیداد در سرود ششم زمانی که پاریس به همراه هکتور به میدان نبرد می‌روند پاریس به اسب تشبیه شده است:

– «پاریس... مانند تکاوری (اسب) بود که زمانی دراز بر آخور مانده و جو دوسر سفید خورده... از دلربایی و زیبایی خود شادمانست، پاهای نرم‌رو وی در یک دم او را به بیشه‌ها و چراگاههای مادیانه‌ایش می‌رساند» (هومر، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵).

در سرود پانزدهم هکتور نیز به اسب تشبیه شده است:

– «... به همان گونه که تکاوری جان بر کف نهاده، که از دیرباز بر آخور مانده است، بندهای خود را می‌گسلد، دشتها را می‌پیماید و زمین زیر پاهایش بانگ برمی‌دارد...» (همان، ص ۴۶۸ – ۴۶۹)

در ایلیداد یک‌بار پاریس و یک‌بار هکتور به اسب تشبیه شده‌اند. در مورد پاریس گواه نیروی مردانگی، غیرقابل کنترل بودن، زیبایی، خیره‌سری و غرور او و در مورد هکتور نماد نیرومندی و زیبایی او است.

صفاتی که تنها در شاهنامه به جنگاوران داده شده است:

الف- تشبیه جنگاور به پیل

در زبان فارسی پیل یا فیل از فارسی باستان *piru-* به معنی «عاج» و وام‌واژه‌ای از مصری باستان است (حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۰۴۶). فیل نماد آرامش، پایداری، حافظه، پیروزی، قدرت آمده است. در غرب نماد سنگینی، بی‌استعدادی و در شرق مرکب خدایان و نماد قدرت و پادشاهی بوده است (جایز، ۱۳۹۷، ص ۵۸؛ شوالیه و گربران، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۴۱۴). فیل در فرهنگ ایران کهن نخست موجودی اهریمنی و سپس به سبب کارآمدی در نبردها، به‌عنوان نیروی جنگی به کار رفته است و در فرهنگ ایران چهره‌ای دوگانه دارد (قلی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵ – ۱۷۷). پیل در شاهنامه به عنوان توصیفی برای جنگاوران تنومند و توانا در نبرد به کار رفته است. در شاهنامه پیل‌تن، پیل‌وار، پیل‌ژبان، پیل‌مست، پیل‌دمان و... توصیفهایی است که برای جنگاوران استفاده شده است. در رویارویی منوچهر با کاکوی، صفتهای مختلفی به هردو داده شده است. یکی از این صفتهای پیل است:

تو گفتی دو پیلاند هردو ژبان گشاده بر و دست و بسته میان
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۸۹؛ بیت ۹۷۸)

کمر بند کاکوی بگرفت خوار ز زین برگسست آن تن پیلوار
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱؛ بیت ۹۸۴)

زمانی که پشنگ از مرگ منوچهر آگاه می‌شود و قصد حمله به ایران دارد، اغریرت کوشش می‌کند او را از این حمله باز دارد ولی پشنگ نمی‌پذیرد و افراسیاب را با صفتهایی از جمله پیل می‌خواند:

یکی نره شیر است روز شکار یکی پیل جنگی گه کارزار
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۹۳؛ بیت ۹۹)

زمانی که افراسیاب پس از بازگشت از جنگ با نوذر نزد پشنگ از رستم سخن میگوید به او صفت‌هایی از جمله پیل میدهد، این نخستین نبرد رستم در شاهنامه است:

یکی پیلتن دیدم و شیر چنگ نه هوش و نه دانش، نه رای و درنگ
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۹۴؛ بیت ۷۵)

در زمان نوذر، در نبرد تن به تن قارن و کرسیوز، کرسیوز به پیل تشبیه شده است:

بیامد دمان قارن رزمزن و زان روی، کرسیوز پیل تن
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۶۷؛ بیت ۱۹۶)

پس از رها کردن اسیران ایرانی، در گفتگوی اغریرت و افراسیاب، به افراسیاب صفت پیل داده شده است:

سپهد برآشف چون پیل مست به پاسخ به شمشیر یازید دست
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۸۰؛ بیت ۵۳۸)

در پادشاهی کیقباد، رستم آماده اولین نبردش میشود. اینجا به او صفت پیل داده شده است:

بپوشید رستم سلیح نبرد چو پیل ژیان شد که برخاست گرد
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۹۱؛ بیت ۷)

در دفتر نخست شاهنامه پس از شیر، جنگاوران بیشتر به پیل تشبیه شده‌اند. در این دفتر هشت بار در چهار جنگ، چهار بار ایرانیان و چهار بار انیرانیان به پیل تشبیه شده‌اند. در سپاه ایران یکبار منوچهر، یک بار سام و دو بار رستم پیل خوانده شده‌اند و در سپاه انیرانیان یکبار کاکوی، دو باره افراسیاب و یکبار کرسیوز به پیل تشبیه شده‌اند. پیل تن در دفترهای پس از این صفت ویژه رستم است ولی اینجا کرسیوز هم پیل تن خوانده شده است.

ب- تشبیه جنگاور به کرگدن

در زبان فارسی از سنسکریت *khadgá-* و برخی آن را مخفف *khadgá-viṣāṇa-* از *khadgá-* «شمشیر» و *viṣāṇa-* «شاخ» در نظر گرفته‌اند (حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۲۱۷۰). کرگدن نماد بی‌احساسی، پایداری، خطر، تندخو و فردی که آغازکننده نبرد نیست اما در دفاع از خود می‌جنگد، می‌باشد (جایز، ۱۳۹۷، ص ۶۴). در آسیا کرگدن حیوان بومی هند است، شاهنامه چندجا با واژه کرگ به توصیف جنگاوران پرداخته است. زمانی که کندرو به ضحاک میگوید که فریدون به شبستان او رفته و به شهرناز و ارنواز نزدیک شده، ضحاک برمیاشوبد و برای کشتن فریدون به کاخ خود بازمیگردد. اینجا او به کرگدن تشبیه شده است:

برآشف ضحاک برسان کرگ شنید آن سخن کارزو کرد مرگ
(شاهنامه خالقی مطلق، ج ۱، بیت ۴۱۱)

در دفتر نخست شاهنامه یکبار ضحاک به کرگ تشبیه شده است. این که کرگدن حیوانی است که در حمله پیش‌قدم نیست ولی در نبرد برای پیروزی کوشش میکند با رفتار ضحاک در اینجا هماهنگ است.

ج- تشبیه چنگاور به نهنگ

در زبان فارسی نهنگ از ایرانی باستان **ni-θang-* از ریشه *θang-* «کشیدن، کشیده شدن»، که صورت افزوده *tan-* «کشیدن» و به معنی «روی شکم رونده، خزنده»، گرفته شده است. نهنگ در ادبیات فارسی به معنای تمساح است در واژه‌نامه‌های کهن به معنی شیر آبی هم آمده است (حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۲۸۱۸؛ تبریزی،

۱۳۴۲، ج ۴، ص ۲۲۱۹). در زنجیره‌ای نمادین و بنیادین کروکدیل یا تمساح از نیروهای مستولی مرگ و رستاخیز است. ترس‌آفرینی و دهشت‌انگیزی او به مثابه قضا و قدر است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۵۵۱). در شاهنامه نهنگ به معنای تمساح است و بسیاری جنگاوران با این توصیف خوانده شده‌اند:

زمانی که پشنگ از مرگ منوچهر آگاه می‌شود و قصد حمله به ایران دارد، اغریرت کوشش می‌کند او را از این حمله باز دارد ولی پشنگ نمی‌پذیرد و افراسیاب را با صفت‌هایی از جمله نهنگ می‌خواند:

پسر را چنین داد پاسخ پشنگ که افراسیاب آن دلاورنهنگ
(فردوسی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۶۳؛ ۹۸)

در پادشاهی نوذر، پس از شکست سپاه توران در نبرد با زال، افراسیاب نوذر را میکشد، اینجا به افراسیاب لقب نهنگ داده شده است:

گرفتند بازویش [نوذر] با بند و تنگ کشیدندش از جای پیش نهنگ
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۷۶؛ بیت ۴۳۴)

زمانی که افراسیاب نزد پشنگ از رستم سخن می‌گوید او را نهنگ خوانده است:

بیامد بسان نهنگ دژم تو گفתי زمین را بسوزد به دم!
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۹۳؛ بیت ۶۴)

نهنگ توصیفی است که در دو جنگ، دو بار برای افراسیاب و یک‌بار برای رستم به کار رفته است و یادآور سرعت و خشونت آنها در مبارزه است و میتوان آن را نماینده قضا و قدری که نمیتوان از آن گریخت و مرگ برای دشمن نیز دانست.

ه- تشبیه جنگاور به اژدها

اژدها در زبان فارسی از ایرانی باستان -*āji-dahāka*، اوستایی -*āži-dahāka* از -*āži* «مار» احتمالاً از هندواروپایی -*ng^h-i* «فشرده، باریک» و -*dāha* احتمالاً «مردم، انسان» گرفته شده و شاید در مجموع به معنی «مار انسان‌نما» باشد (حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۸۷). اژدها نماد آب، استبداد، خشکسالی، شر و شرارت، قتل، گناه، نادانی، هرج و مرج است. در اساطیر تجسمی از اصل پلیدی و احتکارکننده آنها و نگهبان گنجهای بزرگ است (جابر، ۱۳۹۷، ص ۹۶؛ شوالیه و گربران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۲۳-۱۳۳). اژدها در اساطیر ایران نماد ویرانگری است و بزرگترین نمود آن اژی‌دهاکه است، در شاهنامه یک‌جا سام از نبرد با اژدهایی می‌گوید که از رود کشف بیرون آمده است؛ اما اژدها در شاهنامه به سبب ویرانگری و ستمگری، صفت ویژه ضحاک است. اژدها همچنین در جاهایی به عنوان توصیف جنگاوران، که اشاره به هراس‌انگیز بودن و بی‌رحم بودن آنها در جنگ است، آمده است.

بینداختم چون یکی اژدها بریدم سرش زان تن بی بها
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۸۶؛ بیت ۸۹۶)

زمانی که اغریرت برای نجات زندانیان سپاه ایران به آمل می‌رود، افراسیاب اژدها خوانده شده است:

مگر زنده از چنگ این اژدها تن یک جهان مردم آید رها!
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۷۹؛ بیت ۵۰۸)

زال به رستم هشدار میدهد که افراسیاب جنگاور دلیری است و او را اژدها خوانده است:

که آن ترک درجنگ نراژدهاست دم‌آهنج و در کینه ابر بلاست
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۹۲؛ بیت ۲۵)

زمانی که افراسیاب رزم رستم را در میدان نبرد میبیند، از جنگاوران میپرسد که او کیست، اینجا رستم را با صفت اژدها خوانده است:

ز گردان بپرسید کاین اژدها بدین گونه از بند گشته رها
(فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۹۲؛ بیت ۳۳)

در دفتر نخست اژدها نامی برای ضحاک است و پس از آن در دو جنگ، تور یکبار و افراسیاب دو بار و رستم یکبار اژدها خوانده شده‌اند. اژدهاپیکر بودن پرچم رستم اشاره به اژدهاکشی است که در خاندان او موروثی است و همچنین ناخودآگاه نسب مادری رستم که به ضحاک می‌رسد را به ذهن متبادر می‌سازد. در روایت‌های ایرانی اژدها اغلب اهریمنی است و سبب ویرانی، خشکسالی است، که بنی هندو اروپایی دارد. در شاهنامه این توصیفی است که برای جنگاوران آورده شده است جایی که در جنگها گذشته از دلیری، خشن و بی‌رحم هستند. پیش از دوران پهلوانی در شاهنامه، ضحاک، تور، افراسیاب که اژدها توصیف شده‌اند، از طبقه پادشاهان هستند. سپس رستم نیز از طبقه جنگاوران، اژدها توصیف شده است.

نتیجه‌گیری

پراکندترین تشبیه حیوانی برای جنگاوران در هر دو حماسه شیر، توصیفی برای بهترین و تواناترین جنگاوران در میدان نبرد است که در هر دو حماسه (با در نظر گرفتن محدوده بررسی) به هر دو سوی نبرد داده شده است؛ اما در ایللیاد جنگاوران آخائی و در شاهنامه ایرانیان بیشتر شیر خوانده شده‌اند. در ایللیاد تا سرود پانزدهم بیش از همه به دیومد و در شاهنامه در دفتر نخست، منوچهر و رستم به یک اندازه شیر خوانده شده‌اند. توصیف پلنگ در ایللیاد بیشتر برای جنگاوران تروا و در شاهنامه بیشتر برای دشمنان ایران کاربرد دارد. گویی پلنگ توصیفی برای جنگاوران بیشتر فریب کار است و در مقایسه با شیر در رده‌ای پایین‌تر قرار میگیرد. در ایللیاد یکبار جنگاوران آخائی و یکبار نیز هر دو گروه در نبرد گرگ خوانده شده‌اند. در شاهنامه دو بار دشمنان ایران، یکبار نیز قباد گرگ خوانده شده‌اند. در همه این توصیفها چه در ایللیاد و چه در شاهنامه گرگ به معنای جنگجویی در رده بالا به کار رفته است. شیر، پلنگ و گرگ در هر دو حماسه به کار رفته است. شیر در هر دو حماسه، توصیف بهترین جنگاوران است و پلنگ و گرگ در رده‌های پایین‌تر و بیشتر برای تشبیه جنگاوران دشمن، از دید روای، به کار رفته است.

در ایللیاد سه بار جنگاوران گراز خوانده شده‌اند، دو بار جنگاوران آخائی و یکبار جنگاوران تروا. هر سه بار گراز توصیفی برای جنگاوران پیروز و هراس‌افکن است. در دو جا در جایگاهی برابر با شیر بیان شده است. در ایللیاد یکبار توصیف سگ گله و شش بار سگ شکاری آمده است. گویی توصیف جنگاوران به سگ و سگ شکاری اشاره به ضعف آنها نسبت به حریف روبه‌رو در جنگ است. شیر و گراز و پلنگ به عنوان توصیفی برای جنگاوران شجاع به کار رفته‌اند. شیر و گراز در رده بالاتر و پلنگ در رده پایین‌تر قرار گرفته است. در ایللیاد گاو نر توصیفی است که سه بار به سبب نیرومندی و توانایی در جنگ برای جنگاوران به کار رفته است. تشبیه اولیس به قوچی که میان گله‌ای از میشها گردش میکند؛ به دانایی، قدرت و برتری او در میان گروه همراهانش اشاره دارد. گاو نر و قوچ در ارتباط با خدایان یونانی، نمادهای نیرومندی، نیروی مردانگی و قدرت هستند. اسب تا سرود پانزدهم دو بار به عنوان توصیف پارسی و هکتور به کار رفته است که گواه غیرقابل کنترل بودن، زیبایی، خیره‌سری، غرور و باروری است.

سگ، گاونر، قوچ حیوانات اهلی کشاورزان هستند. سگ در شکار همراه انسان است و گاونر و قوچ نمادهای توانایی و جنگاوری، غرور، باروری هستند.

در دفتر نخست شاهنامه پس از شیر، بیشترین توصیف حیوانی برای جنگاوران پیل است. در این دفتر، هشت بار در چهار جنگ توصیف پیل به کار رفته است، سه بار برای ایرانیان و چهار بار برای انیرانیان. پیل گواه غیرقابل کنترل بودن و غلبه‌ناپذیر و تناور بودن و بی‌رقیب بودن جنگاور است. کرگ (کرگدن) توصیفی است که یک‌جا برای ضحاک به کار رفته است. که با نمادپردازی کرگدن که موجودی است که نبرد را آغاز نمیکند ولی در دفاع از خود می‌جنگد، هماهنگ است. نهنگ توصیفی است که در دو جنگ، دو بار برای افراسیاب و یک‌بار برای رستم آورده شده است و یادآور سرعت و خشونت است در جنگ که نمیتوان از رویارویی با آن گریخت. اژدها گذشته از نامهای خاص، توصیفی است که در دو جنگ، برای تور یک‌بار، افراسیاب دو بار و رستم یک‌بار به کار رفته است و توصیف کسانی است که در جنگها دلیر، خشن و بی‌رحم هستند.

در بررسی توصیفهای حیوانی جنگاوران شجاع، سه گروه حیوانات وحشی (درنده و غیردرنده)، حیوانات اهلی و حیوانات اسطوره‌ای داشتیم. حیوانات وحشی درنده، شیر، پلنگ، گرگ و نهنگ (تمساح)؛ حیوانات وحشی غیردرنده گراز، پیل و کرگدن؛ حیوانات اهلی سگ، گاونر، قوچ و اسب بودند و تنها حیوان اسطوره‌ای اژدها بود. از حیوانات درنده شیر و پلنگ و گرگ در هر دو حماسه مشترک و نهنگ مختص شاهنامه است. حیوانات وحشی غیردرنده، گراز مختص ایللیاد و پیل و کرگدن مختص شاهنامه است. حیوانات اهلی همه مختص ایللیاد و حیوان اسطوره‌ای مختص شاهنامه است. هر دو حماسه توصیفهای شیر، پلنگ، گراز و گرگ به کار رفته‌اند. این حیوانات در همه‌جا با رفتار یکسانی شناخته شده و به‌همین دلیل در مقام توصیف نیز کاربرد یکسانی در هر دو حماسه داشته‌اند. پیل و کرگدن بومی آسیا و آفریقا هستند به‌همین دلیل تنها در شاهنامه به کار رفته‌اند. استفاده از حیوانات اهلی به دلیل تفاوت فرهنگی بوده است چرا که در شاهنامه برای جنگاوران این‌گونه توصیفها استفاده نشده است. هرچند در جاهای دیگر کاربرد داشته‌اند. همچنین کاربرد اژدها در شاهنامه به دلیل تفاوت فرهنگی است چرا که اژدها در ایران نام و توصیف مشهوری است.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله نویسنده این مقاله مراتب تشکر خود را از دست اندرکاران ماهنامه «سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی» اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی نویسنده آن است. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرد.

REFERENCES:

Abdollahzadeh, Abbas-Ali and Abbasi, Farzad and Fakhr al-Islam, Betul and Zia Khodadayan, Mahboobeh. (2022). "Comparative study of treaty rituals in

- mythological manuscripts of Shahnameh, Iliad and Odyssey (with emphasis on ritual images in manuscripts)". *Islamic art studies*, 19(46), pp. 339-359.
- Beekes, Robert. (2010). *Etymological Dictionary of Greek*. Leiden: Brill.
- Chevalier, Jean; Alain Gheerbrant. (2006). *Dictionary of symbols: mythology, dreams, gestures, shapes and patterns, faces, colors, numbers*. 5 vols, translated and researched by Sudabeh Faza'eli, Tehran: Jeyhoon.
- Ferdowsi, Abulqasem. (2015). *Shah nameh*. Volume 1, corrected by Jalal Khaleghi Mutlaq, Tehran: Sokhan.
- Hasandoust, Mohammad. (2014). *An Etymological Dictionary of Persian Language*. 5 vols. Tehran: Persian Language and Literature Academy.
- Homer (2006). *Iliad*. Translated by Saeed Nafisi, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Jobz, Gertrude. (2018). *The Dictionary of Symbols, Mythology and Folklore*. Translated by Mohammadreza Baghapoor. Tehran: Akhtaran.
- Khaleqi-Motlagh, Jalal. (2007). *Epic, comparative phenomenology of Pahlavi poetry*. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia.
- Khosravifard, Saam. (2009). *The Persian Lion*. Tehran: Cultural Research Office.
- Lak, Iran and Tamimdari, Ahmad. (2015). "Comparative study of landscape structure and dialogue of heroes in Ferdowsi's Shahnameh, Homer's Iliad and Odyssey (based on some achievements of the American school of comparative literature, relying on the critical discourse analysis method)". *Comparative Literature Research Quarterly*, 4(2), pp. 133-175.
- Mahmoudi-Lahijani, Ali and Amiri, Mohammad. (2014). "A comparative study of the use of artistic adjectives in Homer's Iliad and Odyssey and Ferdowsi's Shahnameh". *Ancient History of Persian Literature*, 5(2), pp. 23-44.
- Mohammadzadeh, Maryam (2000). "Revenge and its motives in Ferdowsi's Shahnameh and Homer's Iliad and Odyssey". *Research Journal of Educational Literature*, 10(39), pp. 1-25.
- Omidasalar, Mahmood. (1998). "Esfandiyar and Achilles". *Iranshenasi*, 10 (4), pp. 734-744.
- Shahverdi, Elham and Sepahvandi, Masoud. (2018). "Comparative comparison of education in Ferdowsi's Shahnameh and Homer's Iliad and Odyssey". *Research Journal of Educational Literature*, 10(40), pp. 192-163.
- Soleimani, Zahra (2022). "Comparative examination of examples of personality types in epic poems Iliad and Odyssey by Homer and Shahnameh by Ferdowsi from the point of view of Carl Gustav Jung". *Pejvak-e Zanan Quarterly*, 2(5), pp. 81-106.
- Tabrizi, Mohammad Hossein Khalaf. (1963). *Borhan-e Qate'*. Tehran: Ibn Sina.

Trawick, Buckner. (1997). *Worlds History*. Translated by Arabali Rezaie, Vol. 1, Tehran: Farzan-e Rooz.
Zarrinkoob, Abdul Hossein. (1950). "Shahnameh and Iliad". *Yaghma*, No. 26, pp. 196-203.

فهرست منابع فارسی

- امیدسالار، محمود. (۱۳۷۷). «اسفندیار و آشیل». *ایران‌شناسی*، دوره ۱۰، شماره ۴، صص. ۷۳۴ - ۷۴۴.
تبریزی، محمدحسین بن خلف. (۱۳۴۲). *برهان قاطع*. تهران: کتابفروشی ابن‌سینا.
تراویک، باکتر (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات جهان*. ترجمه عربعلی رضائی، ج. ۱، تهران: فرزانه روز.
جابر، گرترو. (۱۳۹۷). *فرهنگ سبیلها، اساطیر و فولکلور*. ترجمه محمدرضا بقاپور. تهران: اختران.
حسن‌دوست، محمد (۱۳۹۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*. ج. ۵. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
خالقی‌مطلق، جلال. (۱۳۸۶). *حماسه، پدیده‌شناسی تطبیقی شعر پهلوانی*. تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
خسروی‌فرد، سام (۱۳۸۹). *شیر/یرانی*. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۲۹). «شاهنامه و ایللیاد». *یغما*، شماره ۲۶، صص. ۱۹۶ - ۲۰۳.
سلیمانی، زهرا (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی نمونه‌هایی از تیپهای شخصیت منظومه‌های حماسی ایللیاد و ادیسه هومر و شاهنامه فردوسی از دیدگاه کارل گوستاو یونگ». *فصلنامه پژوهاک زنان*، دوره ۲، شماره ۵، صص. ۸۱ - ۱۰۶.
شاهوردی، الهام؛ سپه‌وندی، مسعود. (۱۳۹۷). «مقایسه تطبیقی تعلیم و تربیت در شاهنامه فردوسی و ایللیاد و ادیسه هومر». *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، دوره ۱۰، شماره ۴۰، صص. ۱۹۲ - ۱۶۳.
شوالیه، ژان؛ گربران، آلن. (۱۳۸۵). *فرهنگ نمادها: اساطیر، روایات، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگها، اعداد*. ج. ۵، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، تهران: جیحون.
عبدالله‌زاده، عباسعلی؛ عباسی، فرزاد؛ فخرالاسلام، بتول؛ ضیاء‌خدادایان، محبوبه. (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی آیینهای پیمان در نسخ اسطوره‌ای شاهنامه و ایللیاد و ادیسه (با تأکید بر تصاویر آیین در نسخ)». *مطالعات هنر اسلامی*، دوره ۱۹، ش ۴۶، صص. ۳۳۹ - ۳۵۹.
فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). *شاهنامه*. ج. ۱، تصحیح جلال خالقی‌مطلق، تهران: سخن.
لک، ایران؛ تمیم‌داری، احمد. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی ساختار منظره و گفت‌وگوی قهرمانان در شاهنامه فردوسی، ایللیاد و ادیسه هومر (بر پایه برخی دستاوردهای مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی با تکیه بر روش تحلیل گفتمان انتقادی)». *فصلنامه پژوهشهای ادبیات تطبیقی*، دوره ۴، شماره ۲، صص. ۱۳۳ - ۱۷۵.
محمدزاده، مریم. (۱۳۷۹). «انتقام و انگیزه‌های آن در شاهنامه فردوسی و ایللیاد و ادیسه هومر». *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص. ۱ - ۲۵.
محمودی‌لاهیجانی، علی؛ امیری، محمد. (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی کاربرد صفت‌های هنری در ایللیاد و ادیسه هومر و شاهنامه فردوسی». *کهن‌نامه ادب پارسی*، دوره ۵، شماره ۲، صص. ۴۴ - ۲۳.

هومر (۱۳۸۵). ایللیاد. ترجمه سعید نفیسی، تهران: علمی و فرهنگی.

منابع اینترنتی:

<https://iranicaonline.org/articles/ferdowsi-i> (access: 20 Nov. 2023).

https://www.zora.uzh.ch/id/eprint/203569/1/Kruger_History_of_hunting.pdf
(access: 20 Nov. 2023).

معرفی نویسنده

علی امینی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

(Email: aliamini@shirazu.ac.ir)

(ORCID: [0000-0002-6195-8680](https://orcid.org/0000-0002-6195-8680))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Ali Amini: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Shiraz, Shiraz, Iran.

(Email: aliamini@shirazu.ac.ir)

(ORCID: [0000-0002-6195-8680](https://orcid.org/0000-0002-6195-8680))